

دعوت به مداخله در منازعات انتخاباتی؛ بررسی رویه شورای امنیت با تأکید بر نمونه مطالعاتی گامبیا- ۲۰۱۷

سیدهادی محمودی

استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

هادی دادمهر*

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

منع توسل به زور از تعهدات اولیه لازم‌الاجرای دولت‌ها ذیل بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است که نقض آن جز در مقام دفاع مشروع و یا در پی صدور مجوز فصل ۷ شورای امنیت، مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها به بار خواهد آورد. سکوت منشور در قبال وضعیتی که طی آن "دولت الف" از "دولت ب" دعوت به مداخله نظامی در خاک خود می‌کند، زمینه طرح اختلاف نظرهای دکترینی پرچالش را فراهم کرده است. در این تحقیق تلاش شده است تا با برجسته ساختن جدیدترین رویه شورای امنیت در موضوع دعوت به مداخله در انتخابات کشور گامبیا، یافته تحلیلی نوینی عرضه شود که به کمک آن بتوان در پژوهش‌های آتی، جایگاه مطمئن‌تری را برای استقلال تئوریک مفهوم دعوت به مداخله قائل شد. نتایج تحقیق، مثبت این ادعاست که منتخبین انتخاباتی فاقد کنترل موثر که در پی بروز منازعات انتخاباتی امکان دستیابی به جایگاه اداره کشور را پیدا نمی‌کنند می‌توانند بدون صدور قطعنامه فصل ۷ شورای امنیت و به صرف تأیید صریح یا ضمنی مشروعیت‌شان توسط شورا، درخواست دعوت به مداخله کنند.

واژگان کلیدی: دعوت به مداخله، انتخابات، مداخله دموکراتیک، کنترل موثر، مشروعیت دموکراتیک.

مقدمه

در مباحث آکادمیک حقوق بین‌الملل؛ یکی از موضوعات دکترونی چالش برانگیز و اختلافی، تعیین مقام صلاحیتدار ملی برای درخواست دعوت به مداخله در زمان بروز منازعات داخلی است. چنانکه در بحران‌های اخیر سوریه، عراق و یمن نیز دیده شده است، بسیاری از دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران مشروعیت مداخله خود را بر دعوتی استوار ساخته‌اند که توسط مقامات صلاحیتدار حکومت دعوت کننده ابراز گردیده است. اما چگونه می‌توان مرجع صلاحیتدار را در هنگام منازعات داخلی شناسایی کرد؟ کدام ارگان را باید مرجع نهایی تعیین صلاحیت مقامات داخلی قلمداد نمود؟ این امر بویژه زمانی اهمیت می‌یابد که مقام واجد کنترل موثر با بحران مشروعیت دموکراتیک در داخل کشور مواجه شده باشد.

این تحقیق با اعمال تفکیک در ماهیت دعوت به مداخله‌های دموکراتیک، بطور مشخص و منحصر به بررسی آن دسته از منازعات دموکراتیک می‌پردازد که محور منازعه آنها انتخابات و اختلافات انتخاباتی است. واضح است که موضوع حکومت‌گری دموکراتیک، محدود به مقوله انتخابات نمی‌شود و طیف وسیعی از پروسه‌ها و شاخص‌هایی را در بر می‌گیرد که علی‌الاصول باید به بدنه دولت مدرن نفوذ کند.^۱ روشن است که اگر دموکراسی صرفاً محدود به شاخص انتخابات باشد، دولت‌ها می‌توانند از ترفندهای بسیاری برای سرپوش نهادن بر اراده واقعی مردم و رقم زدن نتیجه انتخابات به نفع خویش استفاده کنند.^۲ متعاقب این تبیین، دغدغه اصلی این تحقیق همانا یافتن پاسخی برای این پرسش‌های کلیدی است که آیا اصولاً در حقوق بین‌الملل، دعوت به مداخله (که در ادبیات دانشگاهی به عنوان یک مفهوم حقوق بین‌المللی خارج از منشور تلقی می‌شود) می‌تواند مستقل از قطعنامه‌های تاییدی فصل ۷ شورای امنیت، واجد مشروعیت باشد؟ در این صورت آیا در زمینه‌های خاص انتخاباتی، امکان طرح دعوت به مداخله توسط فردی که فاقد کنترل موثر است اما ادعای پیروزی در انتخابات را دارد وجود

1. Richard A. Barnes, "Democratic Governance and International Law", *Indiana Journal of Global Legal Studies*, Vol. 8, No. 1, (2000), at 128.

۲. گای گودوین گیل، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، چاپ دوم، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۶) ص ۱۴.

دارد؟ آیا دولت‌های ثالث می‌توانند به این نوع درخواست‌ها پاسخ مثبت بدهند و از مسئولیت بین‌المللی مصون بمانند؟ اساساً اگر در خصوص فرد پیروز در انتخابات بحران‌زده اختلاف نظر وجود داشته باشد، کدام مرجع بین‌المللی را باید برای تعیین مشروعیت طرفین اختلاف صالح تلقی کرد؟

متعاقب مقدمات فوق‌الذکر، متن اصلی مطالب مقاله در دو بخش کلی تنظیم و ارائه می‌شود. بخش نخست به تبیین پاره‌ای از مباحث تئوریک برای تثبیت مبنای استدلالی تحقیق اختصاص یافته است و بخش دوم به بررسی عملکرد شورای امنیت به عنوان اصلی‌ترین نهاد متولی صلح و امنیت بین‌المللی در مواجهه با مصادیق دعوت به مداخله در انتخابات با محوریت قرار دادن نمونه مطالعاتی گامبیا تخصیص می‌یابد.

۱. جایگاه حقوقی دعوت به مداخله و مداخله دموکراتیک در نظام توسل به

زور

منع توسل به زور یکی از اصول بنیادین نظام حقوق بین‌الملل است. منشور ملل متحد تمامی اعضا را ملزم ساخته است تا در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا کاربرد زور علیه یکپارچگی سرزمینی یا استقلال سیاسی یکدیگر به هر نحو غیر منطبق با اهداف ملل متحد اجتناب کنند. به بیان دیگر می‌توان گفت که منشور بر آن بوده است تا ضمن تقرر ممنوعیت کلی توسل یکجانبه به زور، موارد احتمالی آن را در نظام بین‌المللی تحت کنترل سازمان ملل متحد درآورد. در این چارچوب، شورای امنیت بر اساس اشتغالات و اختیارات فصل ۵ منشور و طبق موازین فصل ۷، یگانه مرجع جامعه جهانی برای تجویز زور قانونی در حقوق بین‌الملل است و لذا می‌تواند با احراز تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز مجوز اقدامات قهری را ذیل اصل ۴۲ و یا ۵۳ منشور صادر کند.^۱ با این حال دو وضعیت محتمل دیگر نیز در خصوص امکان کاربرد زور توسط دولت‌ها وجود دارد که یکی در منشور پیش‌بینی شده است و دیگری جایی در منظومه حقوقی

۱. برای مطالعه تفصیلی در خصوص اختیارات و محدودیت‌های شورای امنیت در فصل هفتم رجوع شود به:

Erika De Wet, *The Chapter VII Powers of the United Nations Security Council* (London: Hart Publishing, 2004).

ملل متحد پیدا نکرده است.^۱ نخستین مورد، حق دفاع مشروع فردی و جمعی در قبال یک حمله مسلحانه است که به دولت‌های عضو امکانِ توسل به زور در مقام دفاع از خود را می‌دهد. بدیهی است که اختیار دولت‌ها در اجرای این حق، نامحدود نیست و دولت‌ها موظف هستند که به فوریت، اقدامات مبتنی بر دفاع مشروع خود را به شورای امنیت گزارش دهند و صرفاً تا زمانی حق استفاده از این سازوکار را دارند که شورای امنیت در راستای برقراری صلح و امنیت تصمیمی اتخاذ نکرده باشد. وضعیت دوم که مشخصاً محور اصلی بحث مقاله است ناظر به موقعیتی است که طی آن یک دولت با ابراز رضایت به مداخله خارجی، امکان توسل به زور را برای قدرت‌های خارجی فراهم می‌کند.

۱-۱. دعوت به مداخله

دعوت به مداخله اصولاً به مفهوم فراهم ساختن زمینه مداخله نظامی نیروهای خارجی در جریان یک منازعه داخلی به دعوت حکومت میزبان است.^۲ در این ارتباط لازم بذکر است که کماکان حتی در خصوص کاربرد خود اصطلاح دعوت به مداخله، بین دانشمندان اختلاف نظر ترمینولوژیک وجود دارد. گرهارد هافنر گزارشگر زیرگروه دعوت به مداخله^۳ در موسسه حقوق بین‌الملل، در سند نهایی گزارش خود ترجیح داده است که بجای اصطلاح فوق از اصطلاح درخواست کمک نظامی^۴ استفاده کند. وی در تبیین این موضوع می‌گوید مداخله نظامی یک عمل متخلفانه در حد نقض قاعده منع توسل به زور است و با رضایت دادن و یا با تفکیک مداخله زور گویانه از مداخله مبتنی بر رضایت (چنانکه اینها را قائل به چنین تفکیکی است) نمی‌توان وجه متخلفانه مداخله را زائل کرد. در نقطه مقابل، بسیاری از دانشمندان معتقدند با توجه به اینکه دعوت به مداخله یک اصطلاح متداول در ادبیات حقوق بین‌الملل است که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز

۱. برای مطالعه در خصوص مشروعیت توسل به زور دولت‌ها برای حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش و ابهامات و چالش‌های مترتب بر پذیرش آن، مراجعه شود به: جمشید ممتاز، تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادیبخش (تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی، (۱۳۸۱).

2. Intervention by Invitation, Max Planck Encyclopedia of Public International Law, George Nolte, Retrieved August 5, 2019 from <http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1702>.

3. Intervention by Invitation.

4. Military Assistance on Request.

در قضیه نیکاراگوئه از آن استفاده کرده است و نیز از آنجا که دامنه معنایی این مفهوم موسع تر از درخواست کمک نظامی است، بهتر است کماکان از دعوت به مداخله استفاده شود.^۱ در این تحقیق نیز منطبق با ترمینولوژی غالب، ترجیح داده شد که از مفهوم دعوت به مداخله استفاده گردد.

در دکتین حقوق بین‌الملل، ابهام چندانی در خصوص اصل مشروعیت ارسال کمک و نیروی نظامی بنا به درخواست دولت‌ها برای سرکوب شورش‌های داخلی وجود ندارد. بسیاری مبنای این مشروعیت را بر یک "قاعده عرفی" بنا می‌کنند که مطابق آن کمک به حکومت مشروع و قانونی یک سرزمین متعاقب اعلام رضایت آن حکومت مجاز است.^۲ با این وجود، اعتبار حقوقی دعوت به مداخله را می‌توان با ارجاع به مصادیق تجاوز در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی و استنباط مفهوم مخالف یکی از مفاد این قطعنامه نیز اثبات کرد. در بخشی از این قطعنامه آمده است که خارج شدن از شرایط توافق اولیه در خصوص استفاده از نیروی مسلح در درون سرزمین یک دولت دیگر که "بر اساس موافقت دولت پذیرنده" محقق شده باشد، از مصادیق تجاوز محسوب می‌شود.^۳ در همین راستا از آنجا که منشور ملل متحد نیز در بند ۷ ماده ۲ اموری را که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی دولت‌هاست تابع منشور قلمداد نکرده است، منطقی می‌توان استدلال کرد که دعوت یک دولت از دولت دیگر برای استفاده از زور در قلمرو سرزمینی خود متناظر با اختیارات ماده مذکور خواهد بود.^۴ مع ذلک و به‌رغم عدم اختلاف در خصوص کلیت اصل مذکور، ابهامات فراوانی در خصوص کیفیات دعوت به مداخله و سازکار احراز مشروعیت رضایت مقامات داخلی در خصوص دعوت به مداخله وجود دارد. بنظر

1. Institut de droit international, 10th Commission, Sub-Group Intervention by Invitation, Gerhard Hafner Report on: Present Problems of the Use of Force in International Law, Vol. 73, (2009), at paras 21-27.

۲. سید یاسر ضیائی و محسن یدایی امناب، «مداخله نظامی خارجی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل: بررسی وضعیت عراق، سوریه، یمن و بحرین»، آفاق امنیت، شماره ۳۲، (۱۳۹۵)، ص ۱۲۶.

3. L. Doswald-Beck, "The Legal Validity of Military Intervention by Invitation of the Government", British Yearbook of International Law, Vol. 56, No.1, (1986), at 189.

۴. محمدحسین رضائی قوام آبادی، حیدر پیری، «مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چارچوب حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۸۵، (۱۳۹۷)، ص ۲۲۲.

می‌رسد که ابهام‌زدایی در این خصوص مستلزم رجوع اجمالی به قواعد مسئولیت بین‌المللی و نیز آرا و نظریات دیوان بین‌المللی دادگستری است.

۱-۱-۱. دعوت به مداخله در نظام مسئولیت بین‌المللی

در بسیاری از موارد در نظام حقوق مسئولیت، علت متخلفانه بودن یک عمل بین‌المللی تجاوز به حق دولت قربانی است. از این رو بدیهی است که رضایت پیشینی به یک عمل متخلفانه، بتواند رکن عدم مشروعیت و وصف متخلفانه بودن را زائل کند.^۱ معتبرترین و پراستنادترین مرجع استناد به حقوق مسئولیت بین‌المللی، طرح مواد مسئولیت دولت‌ها و طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل است. مطابق آنچه که در طرح پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها در سال ۲۰۰۱ آمده است، نخستین مورد از معاذیر رافع وصف متخلفانه، رضایت است. از آنجا که تعیین اعتبار رضایت و اعتبار شخص رضایت دهنده، موضوع تعهد اولیه است؛^۲ اساساً امکان داشت که کل مفهوم رضایت از متن پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت حذف شود اما با اصرار افرادی چون آلن پله که معتقد بودند با درج رضایت و قید لزوم معتبر بودن آن^۳ باید جلوی سوء استفاده احتمالی از مداخله‌جویی‌ها تحت عنوان رضایت گرفته شود، این اصل در متن مواد مسئولیت دولت‌ها باقی ماند.^۴

بدین ترتیب ماده ۲۰ طرح مواد مسئولیت دولت‌ها، رضایت دولت به ارتکاب فعل معین توسط دولت دیگر را مشروط بر معتبر بودن رضایت، موجب زائل شدن وصف متخلفانه فعل قلمداد کرده است. در این راستا قابل ذکر است که ماده مذکور بازگو

۱. حمید الهوئی نظری و امیر فامیل زوار جلالی، «میانی اقدامات ائتلاف ضد داعش در عراق بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۷، (۱۳۹۶)، ص ۱۲۴.

۲. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸) ص ۱۳۳.

۳. برای مطالعه بیشتر درباره اعتبار رضایت مراجعه شود به:

Ademola Abbas, "Consent Precluding State Responsibility: A Critical Analysis", *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 53, No. 1, (2004), at 213-219.

۴. جیمز کرافورد، حقوق مسئولیت بین‌المللی قواعد عمومی، چاپ اول، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، سیامک کرمی، حسن خسروشاهی، پریسا روشنفکر (تهران: نشر سنگلج قلم، ۱۳۹۵) صص ۳۶۵-۳۶۶.

کننده یک اصل پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است که به موجب آن رضایت باید قبل از مداخله و یا در هنگام مداخله اعلام شود و رضایت بعد از مداخله نافذ نخواهد بود.^۱ اصل رضایت به همین کیفیت و دقایق تئوریک، در متن طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی ۲۰۱۱ مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز گنجانیده شده است.^۲

۲-۱-۱. دعوت به مداخله در دیوان بین‌المللی دادگستری

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های استناد به رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص موضوع رضایت به مداخله، قضیه فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو (۲۰۰۵) است. در این پرونده دیوان تأیید نموده است که قواعد حق بر جنگ^۳ به حکومت‌ها اجازه می‌دهد که از دولت‌های خارجی برای مداخله نظامی در سرزمین خود دعوت به عمل بیاورند.^۴ دیوان در این قضیه ابراز می‌دارد، اوگاندا نمی‌توانسته است در مناطقی که رضایت به حضور این دولت وجود نداشته است متوسل به زور شود و لذا در خارج از بازه زمانی رضایت کنگو، اعتبار حقوقی حضور نیروهای اوگاندا در خاک کنگو قابل تأیید نیست.^۵

رکن قضایی ملل متحد پیش از این در بخشی از رأی تاریخ‌ساز خود در سال ۱۹۸۶ یعنی در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده در نیکاراگوئه ضمن تأیید اصل دعوت به مداخله، با قاطعیت اعلام کرد: «معلوم نیست چه چیز از اصل عدم مداخله باقی خواهد ماند اگر گروه‌های مخالف نیز بتوانند همچون حکومت‌ها از طرف دولت درخواست دعوت به مداخله در امور داخلی کشور خود بنمایند. در این صورت هر

1. Olivier Corten, *The Law Against War, The Prohibition on the Use of Force in Contemporary International Law* (London: Hart Publishing, 2010) at 276.

2. International Law Commission (2001) Draft Articles on Responsibility of International Organizations.

3. Jus ad Bellum.

۴. برای مطالعه تکمیلی در این خصوص مراجعه شود به: ستار عزیزی، بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۳، (۱۳۹۰).

5. ICJ Rep, 2005, *Armed Activities on the Territory of Congo (DRC vs Uganda)* paras 212-213.

دولتی قادر خواهد بود که در هر لحظه در امور داخلی دولت‌های دیگر مداخله بکند و این امر نسبتی با حقوق بین‌الملل موجود پیدا نمی‌کند.^۱

۲-۱. مداخله دموکراتیک

نقطه عطف توسعه مباحث آکادمیک در خصوص کاربرد زور در مداخلات دموکراتیک، به مقاله‌ای بر می‌گردد که مایکل ریزمن در سال ۱۹۸۴ در مجله امریکایی حقوق بین‌الملل منتشر نمود.^۲ ریزمن در این مقاله اظهار داشت که تا قبل از تدوین منشور ملل متحد، هیچ قاعده عرفی در خصوص منع توسل به زور یکجانبه وجود نداشته است و این منشور بوده که با آنچه که در بند ۴ ماده ۲ آورده است این مقرره قراردادی را تبدیل به یک مقرره عرفی نموده است. از نظر ریزمن اگر چه بند ۴ ماده ۲ در درون سیستم امنیت جمعی سازمان ملل جایگاه معقول و مناسبی یافته است اما ماده مذکور هرگز به تنهایی یک مولفه اخلاقی و ضروری برای صلح‌گرایی محسوب نمی‌شود. بنابراین در چارچوب‌های غیرمنشوری، معیار تعیین‌کننده مشروعیت توسل به زور این است که آیا کاربرد زور می‌تواند به ارتقا و تثبیت جایگاه حق تعیین سرنوشت مردم کمک کند یا خیر؟^۳

با این همه به طور کلی باید پذیرفت که حقوق بین‌الملل معاصر همچنان جانب تحلیل‌هایی را محترم می‌شمرد که در آنها اعتبار مداخله برای پاسداشت ارزش‌های دموکراتیک تحت هر نامی که مطرح گردد (اعم از مداخله دموکراتیک، مداخله بشردوستانه^۴ و یا مسئولیت حمایت^۵) مشروط به صدور قطعنامه فصل ۷ منشور ملل متحد باشد. در این راستا دیوان بین‌المللی دادگستری در پاسخ به احتجاج ایالات متحده امریکا درباره گام‌های واضحی که دولت نیکاراگوئه در مسیر تبدیل شدن به یک حکومت

1. ICJ Rep, 1986, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua Nicaragua v. United States of America. Paras 264.

2. Use of Force to (Re-) Establish Democracies: Lessons from the Gambia, Janik, Ralph, Retrieved September 2, 2019 from: <https://www.ejiltalk.org/the-use-of-force-to-re-establish-democracies-lessons-from-the-gambia/> Feb 16, (2017), at: 1.

3. Michael Reisman, "Coercion and Self-Determination: Construing Article 2(4)", The American Journal of International Law, Vol. 78, NO. 1, (1984), at 462.

4. Humanitarian Intervention.

5. Responsibility to Protect.

مستبد کمونیستی برداشته است، به روشنی اعلام نمود در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای وجود ندارد که حق مداخله نظامی در دولت‌ها را به دلیل وجود یک شکل خاص از حکومت و یا پیروی از یک ایدئولوژی خاص فراهم کند.^۱

۲. رویه عملی شورای امنیت در تعیین مرجع صلاحیت‌دار برای دعوت به مداخله دموکراتیک

پس از تدقیق در خصوص جایگاه اصل دعوت به مداخله در حقوق بین‌الملل، ناگزیر باید مختصراً به این سوال نیز پاسخ داده بشود که چه فرد یا مقامی می‌تواند رضایت معتبر را از جانب دولت بیان بدارد. در گام اول می‌توان پذیرفت که رضایت باید توسط حکومت دوزور انجام بشود؛ یعنی حکومتی که به معاهدات ملتزم می‌شود و در دیگر کشورها سفارتخانه دارد.^۲ اما یکی از موضوعات اساسی در ارتباط با مفهوم دعوت به مداخله این است که آیا اساساً دعوت به مداخله، نیاز به صدور مجوز شورای امنیت دارد؟ به دیگر سخن آیا شورای امنیت با رویه تاریخی خود در صدور قطعنامه‌های فصل هفتمی مبنی بر تأیید برخی از مداخلاتی که بر اساس مفهوم دعوت به مداخله مشروعیت یافته‌اند، بنیان استقلال مفهوم دعوت به مداخله را مخدوش نساخته است؟ آیا صدور این قطعنامه‌ها را نمی‌توان اماره‌ای از عدم تمایل شورای امنیت در به رسمیت شناختن استناد مستقیم دولت‌ها به مفهوم دعوت به مداخله (مستقل از مجوز شورای امنیت) تلقی نمود؟

۱-۲. شورای امنیت و دعوت به مداخله در لیبیا ۱۹۸۹، سیرالئون ۱۹۹۷ و ساحل عاج ۲۰۱۰

دو مورد نخست از موارد مداخله اکواس، ذیل مفهوم مداخلات دموکراتیک طبقه‌بندی می‌شود و دو مورد بعدی به طور خاص با منازعات انتخاباتی پیوند می‌یابد. در ابتدا برای نشان دادن رویه اکواس و شورای امنیت در قبال دعوت به مداخله دموکراتیک به بحران لیبیا و سیرالئون اشاره می‌شود. لیبیا از سال ۱۹۸۹ درگیر جنگ‌های داخلی شد. در این

1. ICJ Rep, 1986, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America. Paras 263.

2. Erika De Wet, "The Modern Practice of Intervention by Invitation in Africa and Its Implications for the Prohibition of the Use of Force", European Journal of International Law, Vol. 26, No. 4, (2015), at 982.

سال چارلز تیلور،^۱ وزیر کشور سابق لیبریا، با حمایت ساحل عاج وارد لیبریا شد تا با کودتا حکومت ساموئل دوئه^۲ را ساقط کند. نیروهای سازمان منطقه‌ای اکواس نیز در سال ۱۹۹۰ بنا به درخواست دعوت به مداخله توسط رییس جمهور لیبریا وارد این کشور شدند. مشروعیت دعوت مذکور از این جهت زیر سوال قرار گرفت که ساموئل دوئه از کنترل موثر سرزمینی برخوردار نبود. متعاقباً شورای امنیت با صدور قطعنامه فصل هفتمی ۷۸۸ در سال ۱۹۹۲ وضعیت لیبریا را تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی تلقی کرد و از اقدامات اکواس برای احیای صلح، امنیت و ثبات در آفریقا استقبال نمود.

در بحران سیرالئون نیز شاهد آن بودیم که رییس جمهور این کشور از طریق شکل‌گیری کودتا سرنگون شد. احمد تجان کاباه^۳ بعد از سقوط حکومتش، از جامعه بین‌المللی درخواست مداخله برای بازگشت به قدرت می‌کند. بدین ترتیب بازگرداندن او به قدرت در دستور کار اکواس قرار می‌گیرد و اکواس در سال ۱۹۹۷ ضمن برقراری تحریم نفتی و تسلیحاتی سیرالئون، به نیروهایش مجوز می‌دهد تا از تمام ابزارهای لازم برای تضمین اجرای تصمیمات این سازمان استفاده شود. مداخله نظامی اکواس در سیرالئون با صدور قطعنامه فصل هفتمی ۱۱۳۲ سال ۱۹۹۷ شورای امنیت مورد استقبال قرار گرفت. شورا وضعیت سیرالئون را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نمود و مطابق اختیارات فصل هفتم و هشتم خود در منشور، حمایت قاطعی از تلاش‌های اکواس برای حل بحران در سیرالئون به عمل آورد. در نتیجه اقدامات اکواس، کاباه در سال ۲۰۰۸ قدرت را بازپس گرفت و شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه ۱۱۵۶ از بازگشت رییس جمهور منتخب سیرالئون به قدرت استقبال نمود.^۴

ساحل عاج به جهت موضوعی که باب دعوت به مداخله را گشود در وضعیت متفاوتی قرار می‌گیرد. در انتخابات سال ۲۰۱۰ این کشور، بگبو^۵ رییس جمهور مستقر، با کسب ۴۵ درصد آرا در مقابل ۵۴ درصد آرای مکتسبه اوتارا^۶ نتیجه را به رقیب انتخاباتی

1. Charles Taylor.
2. Samuel Doe.
3. Ahmad Tejan Kabbah.
4. De Wet, op.cit. at 361-362.
5. Laurent Gbagbo.
6. Alassane Outtara.

خود واگذار کرد. این در حالی بود که طبق اظهار کمیته مستقل انتخابات^۱، بگبو در دور نخست انتخابات با کسب ۳۸ درصد آرا، بیشترین رأی را نسبت به دو رقیب اصلی خود یعنی اوآتارا (۳۲ درصد) و بدیعی^۲ (۲۵ درصد) کسب کرده بود. بگبو به نتیجه انتخابات اعتراض نمود و از انتقال قدرت سر باز زد. در این حین کمیسیون مستقل انتخابات نیز اعلام کرد که بگبو فاقد قدرت مشروع برای اداره کردن ساحل عاج است. با این حال رییس شورای قانون اساسی ساحل عاج با استناد به موادی از قانون اساسی ساحل عاج بیان داشت که فقط شورای قانون اساسی می‌تواند نتیجه بررسی اعتراضات انتخاباتی را اعلام کند. این شورا چندی بعد با اعلام ابطال نتایج انتخابات در ۷ حوزه انتخاباتی، بگبو را با کسب ۵۱ درصد به عنوان رییس جمهور معرفی نمود.^۳

متعاقباً شورای امنیت نیز در ۳۰ مارس ۲۰۱۱ با صدور قطعنامه ۱۹۷۵ ضمن حمایت از اقدامات اکواس در جهت حل بحران، وضعیت ساحل عاج را تهدید علیه صلح و امنیت تلقی کرد و از نیروی حافظ صلح سازمان ملل در ساحل عاج^۴ خواست تا از تمام ابزارهای لازم برای حمایت از مردم در برابر خشونت‌های فیزیکی استفاده شود. در اواخر دسامبر ۲۰۱۰ نمایندگان اکواس به بگبو التیماتوم دادند که یا به صورت آزادانه از قدرت کناره‌گیری کند و یا آماده اعمال زور برای استقرار اوآتارا شود.^۵ این بحران سرانجام با توسل به زور اکواس و دستگیری بگبو و استرداد او به دیوان کیفری بین‌المللی جهت محاکمه بعنوان اولین رییس جمهور سابق یک کشور پایان یافت.

۱. کمیته مستقل انتخابات که متشکل از ۱۷ تن از نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی و مدنی موافق و مخالف حکومت ساحل عاج است با هدف نظارت بر انتخابات ساحل عاج تشکیل می‌شود و وظیفه اعلام نتایج "اولیه" انتخابات را به عهده دارد. کمیته مذکور همچنان به عنوان نهاد ناظر بر انتخابات ساحل عاج فعالیت دارد. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به: <https://www.cei-ci.org>

2. Henri Konan Bedie.

3. M. Svicevic, "Military Intervention in the Gambia: Lessons from the Ivory Coast, Liberia and Sierra Leon", BRICS Law Journal, Vol. 5, No. 2, (2018), at 57-59.

4. The United Nations Operation in Côte d'Ivoire (UNOCI).

5. Côte d'Ivoire Post-Gbagbo: Crisis Recovery, Congressional Research Service, Cook, Nicolas, Retrieved November 2, 2019 from: [https:// fas. org/ sgp/ crs/ row/ RS21989.pdf](https://fas.org/sgp/crs/row/RS21989.pdf).

در خصوص ضرورت و مبنای صدور قطعنامه‌های فوق، همچنان در میان تحلیلگران حقوق بین‌الملل اختلاف نظر وجود دارد. برخی با استناد به مفهوم دعوت به مداخله، صدور قطعنامه‌های شورا را یک موضوع حشو تلقی می‌کنند و برخی نیز نظر به فقد کنترل موثر توسط مقامات دعوت کننده به مداخله، صدور قطعنامه‌های شورا را اماره اثبات بی‌اعتباری دعوت‌های فاقد کنترل موثر تلقی می‌کنند. چنانکه مشخص است با وجود اینکه دعوت به مداخله یکی از مبانی حتمی مداخلات اکواس در سیرالئون، لیبیا و ساحل عاج بوده است اما به دلیل صدور قطعنامه فصل ۷ شورای امنیت، مبنای حقوقی استناد به اصل دعوت به مداخله با تردید جدی مواجه است. بدین ترتیب از نظر حقوقی هنوز این موضوع محل اختلاف می‌باشد که آیا قطعنامه‌های فصل ۷ شورای امنیت مبنای مشروعیت مداخلات اکواس را فراهم کرده است و یا دعوت به مداخله از طرف مقامات آفریقایی فاقد کنترل موثر را باید مبنای مشروعیت اقدامات اکواس تلقی کرد. در بخش بعدی این مقاله نشان داده می‌شود که چگونه شورای امنیت در قضیه گامبیا از قابلیت اعمال اصل دعوت به مداخله فاقد کنترل موثر، ابهام‌زدایی کرده است. چنانکه در ادامه به تفصیل بیان خواهد شد، به نظر می‌رسد که قطعنامه ۲۲۳۷ شورای امنیت در قضیه گامبیا ضربه سنگینی بر اعمال نظریه کنترل موثر در منازعات انتخاباتی وارد نموده است و این قطعنامه می‌تواند به مثابه یک دلیل معتبر برای رفع شبهه لزوم ابتناء دعوت به مداخلات دموکراتیک بر کنترل موثر مراجع صالح، مورد استناد قرار گیرد.

۲-۲. شورای امنیت و دعوت به مداخله در گامبیا ۲۰۱۶

انتخابات ریاست جمهوری گامبیا در اول دسامبر ۲۰۱۶ برگزار شد. یک روز بعد از برگزاری انتخابات و قبل از اعلام نتایج، یحیی جامع^۱، رئیس جمهور مستقر گامبیا که پیش از این اعلام کرده بود تا یک میلیارد سال دیگر هم در رأس جمهوری اسلامی گامبیا باقی خواهد ماند، شکست انتخاباتی در برابر آدام بارو^۲، رئیس جمهور منتخب را پذیرفت. ^۳ در ۵ دسامبر، کمیسیون مستقل انتخابات اعلام کرد که بارو با کسب ۲۲۷ هزار

1. Yahya Jammeh.

2. Adama Barrow.

۳. جمهوری گامبیا از بدو تأسیس در سال ۱۹۷۰ تاکنون فقط ۳ رئیس جمهور داشته است. جاوارا (Dawda Jawara)، نخستین رئیس جمهور گامبیا، از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۴ به مدت ۲۴ سال ریاست این کشور را عهده‌دار

رأی در برابر ۲۰۸ هزار رأی یحیی برنده انتخابات شده است.^۱ اما دقیقاً چهار روز بعد، جامع با ادعای بروز تخلفات جدی و غیرقابل پذیرش در فرآیند انتخابات، نتایج اعلام شده را غیرقابل قبول تلقی نمود و خواهان برگزاری انتخابات مجدد شد. شورای امنیت در ۱۰ دسامبر از جامع درخواست کرد که باید طبق اظهار نظر اولیه اش در دوم دسامبر مبنی بر پذیرش نتایج انتخابات، کماکان به نتایج انتخابات احترام بگذارد و قدرت را بی هیچ پیش شرط و تأخیر، به رییس جمهور منتخب واگذار کند.^۲ اکواس نیز با پیاده کردن قریب ۷ هزار نیروی نظامی در مرزهای گامبیا آرایش نظامی گرفت و با ساماندهی یک عملیات نظامی به نام «عملیات احیای دموکراسی»^۳ به یحیی جامع هشدار داد که باید تا تاریخ تعیین شده در قانون اساسی از قدرت کناره گیری کند زیرا در غیر این صورت اکواس به زور متوسل خواهد شد. یحیی جامع این مداخله بی سابقه در امور داخلی کشور خود را غیر قابل قبول دانسته و در تاریخ ۱۷ ژانویه در کشور گامبیا اعلام وضعیت اضطراری کرد.^۴

در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۷ که دوره ریاست جمهوری یحیی جامع طبق قانون اساسی گامبیا به پایان رسید،^۵ اتحادیه آفریقا اعلام کرد که جامع را بعنوان رییس جمهور گامبیا به رسمیت نمی شناسد. در همین روز آدام بارو، رییس جمهور منتخب، در سفارت گامبیا در سنگال سوگند ریاست جمهوری خورد و از اکواس و اتحادیه آفریقا و سازمان ملل درخواست

بود و پس از او یحیی جامع به مدت بیش از ۲۲ سال یعنی تا سال ۲۰۱۶ رییس جمهور شد. جامع در سال ۲۰۱۵ نام حکومت گامبیا را به جمهوری اسلامی گامبیا تغییر داد اما آدام بارو مجدداً در ژانویه ۲۰۱۷ کلمه اسلامی را از نام حکومت گامبیا حذف نمود.

۱. اکواس طبق پروتکل دموکراسی و حکومتگری مطلوب (۲۰۰۱)، به منظور نظارت بر انتخابات نیاز به دعوت از طرف دولت میزبان دارد و یحیی جامع چنین دعوتی از اکواس بعمل نیاورد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Christoph Hartman, "ECOWAS and the Restoration of Democracy in the Gambia", *Africa Spectrum*, Vol. 52, No. 1, (2017), at 88.

2. S/RES/12616 (2016).

3. Operation to Restore Democracy.

4. Isaac Terwase et al, "The Role of ECOWAS on Peace and Conflict Resolution in Nigeria and Gambia", *International Journal of Management and Social Sciences*, Vol. 12, No. 3, (2018), at 55.

5. Claus Kress, and Benjamin Nussberger, "Pro-democratic Intervention in Current International Law: The Case of Gambia in January", *Journal on the Use of Force and International Law*, Vol. 4, No. 2, (2017), at 239.

کمک برای کسب قدرت نمود. مجدداً در همین روز شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۲۳۷، ضمن استقبال از تصمیم شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا مبنی بر به رسمیت نشناختن یحیی جامع، در پاراگراف ۷ قطعنامه به یحیی جامع هشدار داد که باید در همین روز صدور قطعنامه از قدرت کناره‌گیری کند.

علی‌رغم اینکه هیچ نشانه‌ای دال بر صدور مجوز اقدام نظامی در قطعنامه فوق‌الذکر دیده نمی‌شود، نیروهای سنگالی که قبلاً در مرز گامبیا مستقر بودند با همکاری ۵ دولت غرب آفریقا از جمله نیجریه وارد گامبیا شده و این کشور را محاصره دریایی نمودند. با افزایش فشارها، یحیی جامع نهایتاً در ۱۹ ژانویه از قدرت کناره‌گیری کرد و با بیان اینکه ضرورتی وجود ندارد خون افراد ریخته شود با برداشتن ۱۱ میلیون دلار پول نقد از خزانه ملی گامبیا، کشورش را ترک کرد.^۱

نکته قابل ذکر در خصوص وجه اشتراک قطعنامه ۲۲۳۷ شورای امنیت در قضیه گامبیا با قطعنامه‌های پیشین شورا در موارد مشابه، این است که همه این قطعنامه‌ها متعاقب کاربرد زور توسط نهادهای منطقه‌ای و در اجابت به درخواست‌های دعوت به مداخله صادر شده است و در آنها شورای امنیت عملاً از اقداماتی که بدون مجوز این نهاد در راستای برقراری نظم و امنیت بین‌المللی انجام گردیده حمایت بعمل آورده است. بدین ترتیب در پاراگراف ۶ قطعنامه ۲۲۳۷ نیز آمده است که شورای امنیت، حمایت کامل^۲ خود را از اقدامات اکواس برای تضمین احترام به رأی مردم گامبیا با "اولویت توسل به ابزارهای سیاسی"^۳ اعلام می‌دارد. اگرچه عبارت "تقدم استفاده از ابزارهای سیاسی، تلویحاً می‌تواند این پیام را منتقل کند که در مراحل بعدی می‌توان به زور متوسل شد اما جای طرح این پرسش وجود دارد که آیا از منظر حقوقی می‌توان این قطعنامه را به مثابه مجوز کاربرد زور و ورود نیروهای اکواس به خاک گامبیا قلمداد کرد؟

برای پاسخ به سوال فوق باید به وجه فارق اساسی این قطعنامه با قطعنامه‌های پیشین توجه کرد: قطعنامه ۲۲۳۷ ذیل فصل هفتم منشور صادر نشده است و شورا وضعیت گامبیا را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نکرده است. بر این اساس می‌توان ادعا نمود

1. Crisis in The Gambia: How Africa is Rewriting Jus ad Bellum, Helal, Mohamed, Retrieved September 20, (2019), from: <https://opiniojuris.org/2017/01/24/crisis-in-the-gambia-how-africa-is-rewriting-jus-ad-bellum>.

2. Full Support.

3. By Political Means First.

که شورای امنیت در این قطعنامه هیچ تصمیمی برای کاربرد زور نگرفته است زیرا اساساً به سمت احراز مسأله بعنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی حرکت نکرده است. بدیهی است که صرف صدور قطعنامه توسط شورا را نمی‌توان تصمیم شورا تلقی کرد کما اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی نامیبیا در سال ۱۹۷۱ اعلام کرده است که لزوماً تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت، تصمیم شورا تلقی نمی‌شوند و برای شناخت تصمیم شورا در قطعنامه‌های صادره ترمینولوژی و عبارت‌بندی جملات قطعنامه یک عنصر تعیین‌کننده است. بر این مطلب البته باید افزود که لزوماً همه تصمیمات شورای امنیت به صرف اتخاذ شدن توسط شورا، واجد منطبق حقوقی نخواهند بود^۱ و این تحقیق نیز چنین مدعایی ندارد.

مع‌ذک می‌توان با رجوع به سیاق و متن قطعنامه ۲۲۳۷ ادعا نمود که شورای امنیت در این قطعنامه مجوزی برای کاربرد زور صادر نکرده است. چنانکه از مرور وقایع به دست می‌آید، نمایندگان برخی از دولت‌ها از جمله اروگوئه، بولیوی و مصر بلافاصله پس از صدور این قطعنامه تصریح کردند که قطعنامه ۲۲۳۷ مجوز کاربرد زور نیست.^۲ شورا نیز با پذیرفتن ملاحظات روسیه^۳ در خصوص عدم استفاده از عبارت‌بندی مندرج در قطعنامه‌های اکواس و اتحادیه افریقا (که در آنها عبارت "استفاده از تمام اقدامات ضروری" درج شده بود) نشان داد که تمایلی به صدور مجوز حمله نظامی ندارد.

البته ابهامات این قطعنامه فرصت را برای برخی از تحلیلگران فراهم کرده است تا ادعا کنند که شورای امنیت راه توسل به زور را برای اکواس باز گذاشته است.^۴ در این ارتباط گفته می‌شود که قطعنامه ۲۲۳۷، تصمیمات متخذه توسط شورای صلح و امنیت اتحادیه افریقا در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۶ و تصمیمات اکواس در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۶ را تصدیق و حمایت

۱. سید قاسم زمانی و حوریه حسینی اکبرنژاد، «افول دکترین نامحدود بودن اختیارات شورای امنیت در آئینه عروج دیوان دادگستری اروپا»، حقوق تطبیقی، شماره ۱۰۴، (۱۳۹۴)، ص ۱۷۳.

2. Records of Council 7866 meeting. Available at: https://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/PV.7866.

3. Post-Election Crisis in the Gambia: An Interplay of a Security Council's "Non-Authorization" and Intervention by Invitation, Nussberger, Benjamin, Retrieved November 2, 2019 from: <http://opiniojuris.org/2017/02/08/the-post-election-crisis-in-the-gambia-an-interplay-of-a-security-councils-non-authorization-and-intervention-by-invitation/>

4. Nussberger, op.cit. at 1.

کرده است؛ حال آنکه در آن تصمیمات نه تنها بر امکان استفاده از تمام اقدامات ضروری^۱ برای تحمیل نتایج انتخابات گامبیا تأکید شده بود بلکه عملاً نیز اکواس ۷ هزار نیروی نظامی در مرز گامبیا مستقر کرده بود.^۲

به نظر می‌رسد که مقبولیت تفاسیر موسع فوق در منطق دگماتیک حقوق بین‌الملل، محل تردید جدی است زیرا کشورهای عضو اکواس در صورت نیاز به کاربرد زور می‌توانستند بصورت اصولی به شورا مراجعه کنند و مشخصاً مجوز صریح شورا ذیل فصل ۷ را اخذ نمایند. برای مثال در جریان تهاجم ایالات متحده و بریتانیا به عراق در سال ۲۰۰۳، به‌رغم اینکه در قطعنامه ۱۴۴۱ نقض اساسی^۳ تعهدات عراق ذیل فصل ۷ احراز شد و تبعات جدی^۴ نیز برای عدم پابندی این کشور به تعهدات خلع سلاح پیش‌بینی شد اما چنان که اسناد منتشر شده نشان می‌دهد، خود کشورهای متجاوز نیز می‌دانستند که این قطعنامه نمی‌تواند مجوزی برای کاربرد زور باشد و در نتیجه مبنای توجیه حقوقی اقدامات خود را قطعنامه ۶۷۸ سال ۱۹۹۰ قرار دادند که در آن شورا به صراحت مجوز کاربرد زور ذیل فصل ۷ را صادر کرده بود.^۵

بر این اساس می‌توان اظهار نمود که مهمترین کارکرد قطعنامه ۲۲۳۷ تأیید مشروعیت *آدم بارو* و تسهیل شرایط برای اقدام نظامی اکواس بر اساس "دعوت به مداخله توسط یک رییس جمهور منتخب فاقد کنترل موثر" است. به نظر می‌رسد که تنها با این منطق است که می‌توان یک مبنای مقبول حقوقی برای درک دلیل چشم‌پوشی شورای امنیت از محکومیت زور اعمال شده توسط اکواس علیه گامبیا ارائه نمود. آرایش نظامی نیروهای اکواس در مرز گامبیا تردیدی باقی نمی‌گذارد که یک تهدید صریح به کاربرد زور علیه استقلال سیاسی گامبیا بر خلاف بند ۴ ماده ۲ منشور شکل گرفته است.^۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *کانال کورفو* در خصوص تهدید به کاربرد زور به وضوح اعلام

1. All Necessary Measures.

2. Helal, op.cit. at 242.

3. Material Breach.

4. Serious Consequences.

۵. هادی دادمهر، «حفره‌های رژیم منع توسل به زور، بررسی تبعات ماندگار تجاوز به عراق (۲۰۰۳) در حقوق

بین‌الملل»، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۲۲، (۱۳۹۵)، ص ۳۳.

6. Kress and Nussberger, op.cit. at 242.

داشته است که نمایش زور با هدف اعمال فشار سیاسی^۱، تهدید به کاربرد زور است.^۲ رکن قضائی ملل متحد همچنین در نظریه مشورتی مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای بیان نمود که مفاهیم "تهدید" و "کاربرد" زور در بند ۴ ماده ۲ در کنار هم این معنا را می‌رساند که اگر بنا به هر دلیل توسل به زور در یک مورد معین غیرقانونی باشد، تهدید به کاربرد زور نیز در آن مورد غیرقانونی خواهد بود^۳ بر این اساس صف‌آرایی نیروهای اکواس در مرز گامبیا حتی به فرض عدم تحقق رویارویی نظامی، به دلیل وجود قصد تجاوز، مصداق تهدید به کاربرد زور بوده است. غیرقانونی بودن این عمل بر اساس ماده ۵۳ منشور نیز قابل اثبات است زیرا این ماده صراحت دارد که سازمان‌های منطقه‌ای نمی‌توانند بدون اخذ مجوز از شورای امنیت دست به اقدامات قهری بزنند.

حال آیا چنانکه این سوال به درستی در ادبیات حقوق بین‌الملل کشور مطرح شده است، می‌توان گفت که رویه اخیر شورای امنیت در قبال تهدید و کاربرد زور توسط نهادهای منطقه‌ای نشانه‌ای از انفعال شورا است؟^۴ آیا می‌توان ادعا کرد که در قضیه گامبیا شدت این انفعال آنقدر بالا گرفته است که حتی بعد از تهدید و کاربرد زور توسط اکواس، شورا از صدور یک قطعنامه فصل هفتمی برای توجیه ظاهری این اقدامات نیز عاجز مانده است؟ نویسنده بر آن است که رویکرد امتناعی شورا در خصوص عدم نفی و عدم تجویز^۵ مداخله را می‌توان اماره‌ای از تمایل آشکار شورای امنیت برای رجوع به سازو کارهای توسل به زور در خارج از سیستم منشور تلقی کرد. چنین به نظر می‌رسد که شورای امنیت با تأیید غیرقانونی نبودن مکانیسم استناد به دعوت به مداخله در خارج از سیستم منشور ملل متحد، عملاً به تسری دادن همان تکالیف حداقلی دولت‌ها در حوزه "دفاع مشروع" به حوزه "دعوت به مداخله" رضایت داده است. در این معنی، شورای امنیت با صدور یک قطعنامه فصل ششمی آشکار ساخته است که به مانند موارد دفاع

1. Demonstration of Force for the Purpose of Exercising Political Pressure.
2. ICJ Rep, 1949, Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania) Para 35.
3. ICJ Rep, 1996, Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons. Para 47.

۴. مصطفی فضائلی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۶، (۱۳۹۵)،

5. Non-prohibitive/Non-authorizing.

مشروع، در موارد دعوت به مداخله نیز از دولت‌ها صرفاً انتظار دارد که در خصوص اقدامات خود به شورا اطلاع‌رسانی کنند. سکوت شورای امنیت در این قطعنامه می‌تواند این معنی را به ذهن متبادر بکند که برای مشروعیت بخشی به این نوع مداخلات می‌توان به نظام توسل به زور خارج از منشور مراجعه کرد^۱ و در خارج از چارچوب منشور ملل متحد هیچ دستاویز حقوقی معتبری غیر از دعوت به مداخله یافت نمی‌شود.

قضیه گامبیا از این حیث در ادبیات دانشگاهی حقوق بین‌الملل اهمیت شایان می‌یابد که برای نخستین بار نشان داد دعوت به مداخله بدون کنترل موثر و بدون قطعنامه فصل هفتم شورای امنیت نیز قابلیت اعمال دارد. تنها نقطه ابهام در خصوص قابلیت کاربست این قاعده در هنگام فقد کنترل موثر، مشخص کردن مقام صلاحیتدار است. در این خصوص نیز چنانکه دیده شد شورای امنیت توانست بدون رجوع به موازین فصل ۷ منشور، تنها با تعیین مرجع اعمال اقتدار در گامبیا از منظر جامعه بین‌المللی به اختلاف خاتمه بدهد و راه را برای اجابت دعوت به مداخله باز کند. در قضیه گامبیا، کفه کنترل موثر به سمت یحیی جامع سنگینی می‌کرد اما در مقابل کفه مشروعیت دموکراتیک با اقبال مردم گامبیا و جامعه جهانی به سمت آدام بارو سنگین شده بود. در این میان شورای امنیت به رغم اختلاف نظرهای شدید در خصوص نحوه تفسیر قانون اساسی گامبیا، خود را مرجع نهایی تصمیم‌گیرنده در خصوص تعیین نتایج انتخابات تلقی نمود و بر این اساس عدم مشروعیت یحیی جامع را محرز ساخت. این رویه گرچه قابل انتقاد به نظر می‌رسد و برخی از نویسندگان نسبت به امکان سوء استفاده از معیار مشروعیت دموکراتیک برای تعیین مقام صلاحیتدار ابراز نگرانی کرده‌اند^۲، اما شورای امنیت با هیچ اعتراض قابل ملاحظه‌ای از طرف جامعه بین‌المللی در خصوص رویکرد اخیر خود مواجه نشده است.

۲-۳. شورای امنیت و دعوت به مداخله در بحران یمن

هر چند درباره انتخاباتی قلمداد نمودن ماهیت دعوت به مداخله در بحران یمن تردید وجود دارد و در بیشتر تحلیل‌ها نیز ریشه این بحران در مرحله نخست به اتفاقات بهار

1. Kress and Nussberger, op.cit. at 244.

۲. فریده شایگان، «مداخله براساس دعوت در ناآرامی‌های داخلی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر قضیه بحرین»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۴، (۱۳۹۲)، صص ۶۸-۶۹.

عربی در سال ۲۰۱۱ و در مرحله دوم به اقدامات حوثی‌ها در براندازی حکومت یمن در سال ۲۰۱۵ مرتبط می‌گردد،^۱ اما بی‌مناسبت نخواهد بود که به منظور آشنایی با یک نمونه دیگر از رویه شورای امنیت در مواجهه با دعوت به مداخله توسط یک مقام دموکراتیک فاقد کنترل موثر اشارتی نیز به تحولات یمن شود. در ۷ مارس ۲۰۱۵ منصور هادی، رئیس جمهور یمن، طی نامه‌ای خطاب به دولت‌های عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، کویت، قطر و هم‌پیمانان این دولت‌ها، از آنها خواست که به رئیس جمهور قانونی یمن در بازگیری قدرت از حوثی‌ها کمک کنند. دولت‌های ائتلاف نیز (به استثنای عمان) در ۲۴ مارس همان سال با ارسال نامه به شورای امنیت و دبیر کل ملل متحد با استناد به درخواست دعوت به مداخله هادی، سازمان ملل را در جریان انجام عملیات نظامی خود با هدف ارائه کمک فوری به رئیس جمهور قانونی یمن قرار دادند.^۲ برای تعیین مشروعیت حضور عربستان و کشورهای ائتلاف در یمن بر اساس موازین حقوقی اصل دعوت به مداخله، نخست باید به بررسی مشروعیت ریاست جمهوری هادی اشاره داشت. در این ارتباط صرف نظر از رأی اکثریت مردم به هادی در انتخابات سال ۲۰۱۲ باید تأکید کرد که شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه‌های مکرر نشان داده است که برگزاری انتخابات را مشروع و او را رئیس جمهور قانونی یمن می‌داند. شورا در نخستین قطعنامه^۳ که پس از انتخابات مذکور صادر نمود اعلام داشت که از تلاش‌های

۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Marieke Brandt, *Tribes and Politics in Yemen: A History of the Houthi Conflict* (London: C Hurst & Co, 2017) at 340-342; Jeffrey S. Dixon and Meredith Reid Sarkees, *A Guide to Intra-State Wars* (California: SAGE Publications, 2015) at 420; Isabella Wong, "Authority to Consent to the Use of Force in Contemporary International Law: The Crimean and Yemeni Conflicts", *Journal on the Use of Force and International Law*, Vol. 6, No. 1, (2019), at 73-4; Eric Robinson et al, *What Factors Cause Individuals to Reject Violent Extremism in Yemen?* (California: RAND Corporation, 2019), at 6-7; Qureshi A Waseem, "The Crisis in Yemen: Armed Conflict and International Law", *North Carolina Journal of International Law*, Vol. 45, No. 1, (2020), at 229; Amanda Guidero and Maia Carter Hallward, *Global Responses to Conflict and Crisis in Syria and Yemen* (London: Palgrave Pivot, 2019) at 49; Ginny Hill, *Yemen Endures Civil War, Saudi Adventurism and the Future of Arabia* (Oxford: Oxford University Press, 2017) at 60.

2. UNDOC S/PV.741.

3. S/RES/2051 (2012).

هادی بعنوان رییس جمهور دوره گذار حمایت می‌کند. در قطعنامه فصل هفتمی سال ۲۰۱۴ نیز شورای امنیت، ضمن محکوم کردن گروه‌هایی که در صدد تضعیف رهبری هادی هستند به طور خاص از حوثی‌ها و نیز سایر گروه‌های یمنی می‌خواهد که از توسل به خشونت برای تحصیل اهداف سیاسی خود پرهیز کنند و بجای آن به حمایت از تلاش‌هایی بپردازند که در جهت تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات جدید در حال انجام است.^۱ شورای امنیت همچنین در جریان بی‌اعتنایی حوثی‌ها به قطعنامه‌های ملل متحد و اقدام آنها در سرنگون کردن حکومت هادی، قویاً اقدامات خشونت‌بار این گروه را در تسلط بر نهادهای حکومتی و رسانه‌ای یمن محکوم کرده و از حوثی‌ها می‌خواهد که رییس جمهور و نخست وزیر قانونی یمن را آزاد کنند و از اقدامات یکجانبه‌ای که فرآیند گذار سیاسی را به بن‌بست می‌کشاند دست بردارند.^۲ کمتر از چند ماه بعد، شورا مجدداً با صدور یک قطعنامه فصل هفتمی^۳ با تأکید بر مشروعیت ریاست جمهوری هادی، تدابیری را برای تحریم تسلیحاتی حوثی‌ها اتخاذ نمود. لازم به ذکر است که این تحریم‌ها در جدیدترین قطعنامه صادره شورای امنیت تا زمان نگارش این مقاله نیز مجدداً تمدید گردید.^۴

بر این اساس و حسب مواضع شورای امنیت سازمان ملل متحد در تعیین مقام صلاحیتدار یمن و عطف به سکوت معنی‌دار شورا در قبال نامه اعضای ائتلاف که می‌توان آن را به منزله چراغ سبز شورا به مشروعیت دعوت به مداخله تلقی کرد، بنظر می‌رسد که موضوع دعوت به مداخله در بحران یمن هم از حیث اعتبار مقام صلاحیتدار و هم از حیث تفوق الگوی مشروعیت دموکراتیک بر کنترل موثر (با مفروض گرفتن وجه انتخاباتی بحران) به لحاظ قواعد حقوقی دعوت به مداخله واجد مشروعیت است و تا زمانی که این مداخله در محدوده توافق انجام پذیرد موجب مسئولیت بین‌المللی برای عربستان و کشورهای ائتلاف نخواهد بود. بدیهی است که این استنتاج نافی مسئولیت دولت‌های مداخله‌گر در حیطه نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نمی‌باشد.

1. S/RES/2140 (2014).

2. S/RES/2201 (2015).

3. S/RES/2216 (2015).

4. S/RES/2220 (2020).

۴-۲. چشم‌انداز مشروعیت دعوت به مداخله در ونزوئلا ۲۰۱۸

پس از تحلیل دعوت به مداخله‌های تاریخی، این بخش از تحقیق به مشروعیت‌سنجی یک پرونده دعوت به مداخله احتمالی اختصاص می‌یابد. در ژانویه ۲۰۱۶ دیوان عالی ونزوئلا به دلیل بروز تخلفات انتخاباتی، آرای ۴ نفر از کاندیداهای پیروز جهت ورود به مجلس ملی ونزوئلا را لغو کرد. از آنجا که ۳ نفر از این ۴ نامزد در جناح اپوزیسیون قرار داشتند، تنش‌ها بین طرفداران و مخالفان دولت بالا گرفت. در ادامه این اختلاف‌ها، دیوان عالی ونزوئلا مجلس ملی این کشور را منحل کرد. متعاقباً و طی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۸ که تماماً توسط احزاب اپوزیسیون تحریم شده بود نیکولاس مادورو^۱ مجدداً به عنوان رئیس‌جمهور ونزوئلا انتخاب شد.

در پی این تحولات؛ مجلس ملی این کشور که از ابتدا انتخابات را به رسمیت نشناخته بود، خود را تنها نهاد مشروع ونزوئلا نزد جامعه بین‌المللی نامید و بدین ترتیب در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۹ *خوان گوادریو*^۲ رهبر مجلس ملی بعنوان رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا به جامعه جهانی معرفی شد. اکنون گوادریو به موادی از قانون اساسی ونزوئلا استناد دارد که اشعار می‌دارد در صورت غیبت کامل رئیس‌جمهور، رهبر مجلس ملی عملاً رئیس‌جمهور موقت کشور خواهد بود و او باید درخواست برگزاری انتخابات مجدد کند. گوادریو همچنین ضمن طرح ادعای بی‌اعتباری انتخابات به دلیل عدم مشارکت احزاب مخالف، بر موادی از قانون اساسی تأکید دارد که مطابق آن؛ مردم ونزوئلا باید رژیمی را که مغایر با اصول و ارزش‌های دموکراتیک است و حقوق بشر را به مخاطره می‌اندازد از قدرت پس بزنند. در مقابل، موافقان مادورو می‌گویند که اولاً رئیس‌جمهور ونزوئلا هرگز از مصدر کار غایب نبوده است و ثانیاً انتخابات ریاست جمهوری به صورت قانونی برگزار شده است و نظم و انتظام ونزوئلا را به هم نزده است. در این شرایط که به نظر می‌رسد موضوع تأیید مشروعیت گوادریو یا مادورو به نحوه تفسیر قانون اساسی ونزوئلا برمی‌گردد،^۳ خوان گوادریو اظهار داشته است که امکان درخواست دعوت به مداخله از جانب دولت امریکا را ملحوظ خواهد داشت.

1. Nicolás Maduro.

2. Juan Guaidó.

3. Venezuela and the Role of Domestic Constitutional Order in International Law, Redaelli, Chiara, Retrieved September 19, 2019 from: [http:// opiniojuris. org/](http://opiniojuris.org/)

واکنش‌های جامعه جهانی به موضوع اختلافات انتخاباتی ونزوئلا، در زمان نگارش این مقاله یکدست نیست. در جدیدترین تحولات رخ داده، پارلمان اروپایی در ژانویه ۲۰۲۰ با صدور قطعنامه از بروز کودتا در ونزوئلا که منجر به حذف گوادیو از چرخه قدرت در این کشور شده است ابراز نگرانی کرده و بر حمایت مجدد از گوادیو تاکید نموده است.^۱ اتحادیه اروپا نیز در آوریل ۲۰۲۰ از طرح ابتکاری ایالات متحده برای کناره‌گیری مادورو از قدرت و تشکیل یک حکومت گذار تا زمان برگزاری یک انتخابات ملی آزاد استقبال کرده است.^۲ در حالی که بیش از ۶۰ کشور، گوادیو را بعنوان رییس جمهور ونزوئلا به رسمیت شناخته‌اند و برخی از کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای حتی مجوز حضور هیأت‌های دیپلماتیک مادورو را لغو کرده‌اند، شمار محدودتری از کشورها نیز از جمله روسیه، چین و جمهوری اسلامی ایران بر حمایت قاطع از مشروعیت حکمرانی مادورو تاکید می‌کنند. دیگر کشورها و مشخصاً سازمان ملل متحد نیز حداقل تاکنون تلاش داشته‌اند تا با عدم اتخاذ موضع صریح و حفظ ارتباط با حکومت مستقر، به رصد کردن تحولات جاری پردازند.

پرسشی که در این حوزه می‌توان مطرح کرد این است که آیا در حقوق بین‌الملل موجود، مبنایی برای مشروعیت بخشی به مداخله احتمالی دولت ایالات متحده در ونزوئلا بر مبنای اعلام رضایت گوادیو (که نه تنها کنترل موثر بر حکومت ندارد بلکه حتی با رأی مستقیم مردم کشورش نیز برای ریاست جمهوری رقابت نکرده است) وجود دارد؟ اصولاً در شرایطی که خوان گوادیو با اقبال قابل توجه دولت‌ها مواجه شده است و به همین نسبت مشروعیت مادورو نیز به درجات بالایی زیر سوال رفته است، چه کسی می‌تواند به نمایندگی از طرف حکومت ونزوئلا اعلام موضع بین‌المللی کند؟

2019/04/23/venezuela-and-the-role-of-domestic-constitutional-order-in-international-law/.

1. Venezuelan Crisis: MEPs Reaffirm Their Support for Juan Guaidó, Retrieved January 1, 2020 from <https://www.europarl.europa.eu/news/en/press-room/20200110IPR70010/venezuelan-crisis-meps-reaffirm-their-support-for-juan-guaido>.

2. EU backs US Plan for Venezuela Transitional Government, Retrieved April 4, 2020 from <https://www.france24.com/en/20200403-eu-backs-us-plan-for-venezuela-transitional-government>.

با تصریح به این واقعیت که هیچ رویه مشابه تاریخی برای مورد ونزوئلا وجود ندارد و صرفاً بر اساس منطبق‌سازی یافته‌های این تحقیق با وضعیت ونزوئلا، می‌توان اظهار داشت که مداخله احتمالی ایالات متحده در ونزوئلا بر اساس دعوت گوادیو، به شرطی می‌تواند موجه جلوه نماید که شورای امنیت مشروعیت گوادیو را یا صراحتاً تصدیق کند و یا حداقل مانند آنچه در قضیه گامبیا دیده شد مشروعیت رییس جمهور مستقر را زیر سوال ببرد. به فرض انجام چنین اقدامی توسط شورا، اصل دعوت به مداخله باز هم دستخوش یک تحول بنیادین دیگر خواهد شد که ثمره آن می‌تواند تهی شدن این اصل از هر شاخصی به غیر از مشروعیت بین‌المللی فرد منتخب باشد؛ زیرا چنانکه گفته شد گوادیو حتی کاندیدای مردم ونزوئلا برای تصدی عنوان ریاست جمهوری نیز نبوده است و ادعای ریاست جمهوری او صرفاً مبتنی بر ارائه تفسیری خاص از قانون اساسی ونزوئلا در خصوص انتخابات است. حال آیا شورای امنیت می‌تواند در مقام مفسر قوانین اساسی کشورها و بجای نهادهای عالی کشوری اقدام به تصمیم‌گیری نماید؟ بررسی رویه شورای امنیت در قضایای بررسی شده در این تحقیق نشان می‌دهد که شورا در مواردی به خود حق داده است که بحران‌های قانون اساسی را نیز تهدید علیه صلح و امنیت جهانی قلمداد کرده و به مواضع مراجع رسمی دولت‌ها وقعی نگذارد.

بدیهی است که با توجه به شرایط مبهم حکومتگری در ونزوئلا و تضاد منافع قدرت‌های جهانی، اکنون زمان مناسب برای ارائه پاسخ متقن به امکان ورود شورای امنیت به این چالش انتخاباتی فرا نرسیده است اما می‌توان اظهار داشت که رویکرد شورای امنیت در خصوص بی‌اعتنایی به نظر مراجع ذیصلاح داخلی در ساحل عاج و گامبیا درباره فرد پیروز در انتخابات، زنگ خطر جدی را برای نهادهای داخلی برگزارکننده انتخابات در همه کشورها از جمله ونزوئلا به صدا درآورده است. نظر به عدم واکنش جدی جامعه بین‌المللی در برابر شورای امنیت و نیز با تأیید برآوردهای پیشین دکترینی می‌توان اظهار نمود که امروزه انتخابات از حصار نسبتاً امن امور داخلی دولت‌ها خارج شده است و حرکت خزنده حقوق بین‌الملل در جهت افزایش قید و بندها بر حاکمیت بلاحصر دولت‌ها در اموری که سابقاً داخلی تلقی می‌شد همچنان ادامه دارد.^۱

1. Thomas Franck, "The Emerging Right to Democratic Governance", *The American Journal of International Law*, Vol. 86, No. 1, (1992), at 90.

هر چند که تداوم این رویه تضییقات جدی بر استقلال سیاسی و حاکمیت ملی دولت‌ها بار خواهد کرد اما چه بسا که این رویکرد بتواند به مثابه یک ابزار بازدارنده برای جلوگیری از تضییع حق انتخاب مردم و حرکت به سمت ایجاد شفافیت بیشتر در انتخابات ملی نیز عمل کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی نمونه مطالعاتی گامبیا و مقایسه آن با موارد پیشین دعوت به مداخله مشخص گردید که شورای امنیت بواسطه عدم استناد به امکانات فصل ۷ منشور (بر خلاف تمامی موارد پیشین دعوت به مداخله در منازعات انتخاباتی) هیچ مخالفت اصولی با امکان استناد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به دعوت به مداخله از طرف یک مقام صلاحیتدار فاقد کنترل موثر ندارد و صرف اطلاع‌رسانی و هماهنگی دولت‌ها با شورا را در خصوص اقدامات متخذه مکفی می‌داند. افزون بر این مشخص شد که از منظر شورای امنیت، معیار غالب در تعیین مقام صلاحیتدار برای درخواست دعوت به مداخله در زمان بروز اختلافات انتخاباتی، مشروعیت دموکراتیک است. این بدان معنی است که دولت‌های ثالث در هنگام مواجهه با دعوت به مداخله از طرف مقامات یک دولت درگیر در اختلافات انتخاباتی، نمی‌توانند به سهولت با تکیه بر معیار کنترل موثر اقدام به حمایت خودسرانه از حکومت مستقر کنند.

از بررسی رویه شورای امنیت در نمونه‌های این تحقیق آشکار می‌گردد که شورا وقع چندانی نیز به تصمیمات مراجع ذیصلاح داخلی در تعیین تکلیف مناقشات انتخابی نگذاشته است و گاه در مواردی مانند ساحل عاج، قاطعانه تصمیم شورای قانون اساسی آن کشور را مردود اعلام کرده است و گاه در مواردی چون گامبیا با محکوم کردن اقدام مجلس ملی در تمدید مدت ریاست جمهوری، حق تعیین‌کنندگی نهایی در رسیدگی به اختلافات قانون اساسی کشورها را به خود داده است.

تقابل الگوهای دعوت به مداخله

مدرن	کلاسیک	نوع الگو
مشروعیت دموکراتیک	کنترل موثر	معیار رضایت معتبر
مردم	حکومت	ارزش غایی
رأی	زور	شاخص تحقق ارزش
جامعه بین‌المللی	مراجع داخلی	مرجع تأیید قانونمندی

بدین ترتیب با بررسی رویه شورا و سکوت توأم با رضایت جامعه جهانی دولت‌ها، می‌توان به نشانه‌هایی آشکار از نفوذ فزاینده گفتمان انسانی شدن حقوق بین‌الملل و اولویت یافتن شاخص مشروعیت مردمی بر کنترل قدرت دست یافت. انتخابات ملی، بارزترین محمل تجلی آرای مردم است و حقوق بین‌الملل به طرز فزاینده‌ای به حمایت از این اصل دموکراتیک برای انتقال قدرت در جوامع داخلی راغب گردیده است. در این راستا شورای امنیت بعنوان ارگان اصلی ملل متحد در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نشان داده است که خواه از طریق رجوع به اختیارات فصل هفتم منشور و خواه از طریق تأیید دعوت به مداخله دموکراتیک از طرف مقامات فاقد کنترل موثر، از ابزارهای حقوقی موجود برای تحمیل و استقرار نتایج انتخابات داخلی کشورها استقبال می‌نماید.

منابع

کتاب‌ها

- کرافورد، جیمز، *حقوق مسئولیت بین‌المللی قواعد عمومی*، چاپ اول، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، سیامک کرمی، حسن خسروشاهی و پریسا روشنفکر (تهران: نشر سنگلج قلم، ۱۳۹۵).
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل* (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸).
- گودوین گیل، گای، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، چاپ دوم، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۶).
- ممتاز، جمشید، *تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادیبخش* (تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۸۱).

مقاله‌ها

- الهوتی نظری، حمید و امیر فامیل زوار جلالی، «مبانی اقدامات ائتلاف ضد داعش در عراق بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۷، (۱۳۹۶).
- دادمهر، هادی، «حفره‌های رژیم منع توسل به زور، بررسی تبعات ماندگار تجاوز به عراق (۲۰۰۳) در حقوق بین‌الملل»، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۲۲، (۱۳۹۵).
- رضایی قوام‌آبادی، محمدحسین و پیری، حیدر «مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چارچوب حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۸۵، (۱۳۹۷).
- زمانی، سید قاسم و حوریه حسینی اکبرنژاد، «افول دکترین نامحدود بودن اختیارات شورای امنیت در آئینه عروج دیوان دادگستری اروپا»، حقوق تطبیقی، شماره ۱۰۴، (۱۳۹۴).
- شایگان، فریده، «مداخله براساس دعوت در ناآرامی‌های داخلی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر قضیه بحرین»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۴، (۱۳۹۲).
- ضیائی، سید یاسر و محسن یدایی ام‌تاب، «مداخله نظامی خارجی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل: بررسی وضعیت عراق، سوریه، یمن و بحرین»، آفاق امنیت، شماره ۳۲، (۱۳۹۵).
- عزیزی، ستار، «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۳، (۱۳۹۰).
- فضائلی، مصطفی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۶، (۱۳۹۵).

References

Books

- Brandt, Marieke, *Tribes and Politics in Yemen: A History of the Houthi Conflict* (London: C Hurst & Co, 2017).
- Corten, Olivier, *The Law Against War, The Prohibition on the Use of Force in Contemporary International Law* (London: Hart Publishing, 2010).
- De Wet, Erika, *The Chapter VII Powers of the United Nations Security Council* (London: Hart Publishing, 2004).

- Dixon, Jeffrey S., Sarkees, Meredith Reid, *A Guide to Intra-State Wars* (California: SAGE Publications, 2015).
- Guidero, Amanda and Carter Hallward, Maia, *Global Responses to Conflict and Crises in Syria and Yemen* (London: Palgrave Pivot, 2019).
- Hill, Ginny, *Yemen Endures Civil War, Saudi Adventurism and the Future of Arabia* (Oxford: Oxford University Press, 2017).
- Robinson, et al., *What Factors Cause Individuals to Reject Violent Extremism in Yemen?* (California: RAND Corporation, 2019).

Articles

- Abbas, Ademola, "Consent Precluding State Responsibility: A Critical Analysis", *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 53, No. 1, (2004).
- Barnes, Richard A, "Democratic Governance and International Law", *Indiana Journal of Global Legal Studies*, Vol. 8, No. 1, (2000).
- Kress, Claus, and Nussberger, Benjamin, "Pro-democratic Intervention in Current International Law: The Case of Gambia in January", *Journal on the Use of Force and International Law*, Vol. 4, No. 2, (2017).
- De Wet, Erika, "The Modern Practice of Intervention by Invitation in Africa and Its Implications for the Prohibition of the Use of Force", *European Journal of International Law*, Vol. 26, No. 4, (2015).
- De Wet, Erika, "The Evolving Role of ECOWAS and the SADC in Peace Operations: A Challenge to the Primacy of the United Nations Security Council in Matters of Peace and Security?", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 27, No. 2, (2014).
- Doswald-Beck, L, "The Legal Validity of Military Intervention by Invitation of the Government", No. 56, No.1, *British Yearbook of International Law*, (1986).
- Franck, Thomas, "The Emerging Right to Democratic Governance", *The American Journal of International Law*, Vol. 86, No. 1, (1992).
- Hartman, Christoph, "ECOWAS and the Restoration of Democracy in the Gambia", *Africa Spectrum*, Vol. 52, No. 1 (2017).
- Reisman, W. Michael, "Coercion and Self-Determination: Construing Article 2(4)", *The American Journal of International Law*, Vol. 78, No. 1, (1984).

- Svcevic, M, “Military Intervention in the Gambia: Lessons from the Ivory Coast, Liberia and Sierra Leon”, BRICS Law Journal, Vol. 5, No. 2, (2018).
- Terwase, Isaac et al, “The Role of ECOWAS on Peace and Conflict Resolution in Nigeria and Gambia”, International Journal of Management and Social Sciences, Vol. 12, No. 3, (2018).
- Waseem, Qureshi A, “The Crisis in Yemen: Armed Conflict and International Law”, North Carolina Journal of International Law, Vol. 45, No.1, (2020).
- Wong, Isabella “Authority to consent to the use of force in contemporary international law: The Crimean and Yemeni conflicts”, Journal on the Use of Force and International Law, Vol. 6, No.1, (2019).

Documents

- ICJ Rep, (2005), Armed Activities on the Territory of Congo (DRC vs Uganda).
- ICJ Rep, (1996), Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons.
- ICJ Rep, (1986), Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).
- ICJ Rep, (1949), Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania).
- International Law Commission, (2001), Draft Articles on Responsibility of International Organizations.
- Institut de droit international, Gerhard Hafner Report on: Present Problems of the Use of Force in International Law, 2009-2011.
- Security Council Press Statement on the Gambia Elections (2016)
- UN Doc S/PV.741.
- A/RES/43/157, 1988.
- A/RES/44/147, 1989.
- A/RES/68/301, 2013.
- S/RES/2220 (2020).
- S/RES/2237 (2017).
- S/RES/2216 (2015).
- S/RES/2201 (2015).
- S/RES/2140 (2014).
- S/RES/2051 (2012).
- S/RES/1441 (2002).

- S/RES/1975 (2001).
- S/RES/1156 (1998).
- S/RES/1132 (1997).
- S/RES/866 (1993).
- S/RES/788 (1992).
- S/RES/678 (1990).

Internet Sources

- Côte d'Ivoire Post-Gbagbo: Crisis Recovery, Congressional Research Service, Cook, Nicolas, Retrieved November 2, 2019 from: [https:// fas.org/sgp/crs/row/RS21989.pdf](https://fas.org/sgp/crs/row/RS21989.pdf).
- Crisis in The Gambia: How Africa is Rewriting Jus ad Bellum, Helal, Mohamed, Retrieved September 20, 2019 from: [https:// opiniojuris.org/2017/01/24/crisis-in-the-gambia-how-africa-is-rewriting-jus-ad-bellum](https://opiniojuris.org/2017/01/24/crisis-in-the-gambia-how-africa-is-rewriting-jus-ad-bellum).
- EU backs US plan for Venezuela transitional government, Retrieved April 4, 2020 from <https://www.france24.com/en/20200403-eu-backs-us-plan-for-venezuela-transitional-government>.
- Intervention by Invitation, Max Planck Encyclopedia of Public International Law, Nolte, George, Retrieved August 5, 2019 from <http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1702>.
- Post-Election Crisis in The Gambia: An Interplay of a Security Council's "Non-Authorization" and Intervention by Invitation, Nussberger, Benjamin, Retrieved November 2, 2019 from: [http:// opiniojuris.org/2017/02/08/the-post-election-crisis-in-the-gambia-an-interplay-of-a-security-councils-non-authorization-and-intervention-by-invitation](http://opiniojuris.org/2017/02/08/the-post-election-crisis-in-the-gambia-an-interplay-of-a-security-councils-non-authorization-and-intervention-by-invitation).
- Use of Force to (Re-)Establish Democracies: Lessons from The Gambia, , Janik, Ralph, Retrieved September 2, 2019 from: [https:// www. ejiltalk.org/the-use-of-force-to-re-establish-democracies-lessons-from-the-gambia/](https://www.ejiltalk.org/the-use-of-force-to-re-establish-democracies-lessons-from-the-gambia/) Feb 16, (2017).
- Venezuela and the Role of Domestic Constitutional Order in International Law, Redaelli, Chiara, Retrieved September 19, 2019 from: [http:// opiniojuris.org/2019/04/23/venezuela-and-the-role-of-domestic-constitutional-order-in-international-law](http://opiniojuris.org/2019/04/23/venezuela-and-the-role-of-domestic-constitutional-order-in-international-law).
- Venezuelan crisis: MEPs reaffirm their support for Juan Guaidó, Retrieved January 1, 2020 from [https:// www. europarl. europa.eu/news/en/press-room/20200110IPR70010/venezuelan-crisis-meps-reaffirm-their-support-for-juan-guaido](https://www.europarl.europa.eu/news/en/press-room/20200110IPR70010/venezuelan-crisis-meps-reaffirm-their-support-for-juan-guaido).